

سیرۃ نامہ



از ولادت تا ایفائے نقش در فتوحات



علی کورانی عاملی



شرکت چاپ و نشرین الملل

عنوان کتاب: سیره نامه امیرالمؤمنین علیه السلام (از ولادت تا ایفای نقش در فتوحات)

تألیف: علی کورانی عاملی

مترجم: سید ابوالقاسم حسینی (زرفا)

مدیریت هنری: گروه هنری شرکت چاپ و نشرین الملل

ناشر: چاپ و نشرین الملل * چاپ: دوم، بهار ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

سه امیر المومنین تحریر جلد ۱



۱-۱۳۳۵۴۵
ریال ۴.۰۰۰.۰۰۰

www.ketab.ir

سرشناسه: کورانی، علی، ۱۹۴۴-م. Kurani Ali

عنوان قرارداد: سیره امیرالمؤمنین من الولاده الی دوره فی الفتوحات. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: سیره نامه امیر المومنین؛ از ولادت تا ایفای نقش در فتوحات/ علی

کورانی عاملی؛ مترجم سید ابوالقاسم حسینی (زرفا).

مشخصات نشر: تهران؛ سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشرین الملل، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۸۱۶ص.

شابک: ۸۸۶-۰۰-۳۰۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: از ولادت تا ایفای نقش در فتوحات.

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

موضوع: ۶۰۰-۶۶۱، Ali ibn abi-Talib, Imam I

شناسه افزوده: حسینی، سید ابوالقاسم، ۱۳۴۱-، مترجم

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشرین الملل

رده بندی کنگره: ۸۲۲۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۶۰۲۲۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

تاریخ درخواست: ۱۳/۰۸/۱۴۰۰

کد پیگیری: ۸۵۵۳۱۹۳



❖ سخن نویسنده ۲۵

❖ صحنه‌های تکان دهنده در حاشیه عاشورا ۲۷

❖ ریشه‌های ستمگری ۲۸

❖ سخنی در باره سبک این سیرنامه ۳۳

❖ پیش از آفرینش، من و علی، یک نور بودیم ۳۷

❖ ۱. مآخذ شیعه و سنی، احادیث عالم نور را روایت کرده‌اند ۳۹

❖ ۲. برگرفته‌هایی از احادیث جهان نورها ۴۳

❖ خداوند از آفریدگان بر ولایت محمد و خاندانش علیهم‌السلام پیمان گرفت ۴۶

❖ جهان‌های وجود ما پیش از این جهان ۴۹

❖ ۳. فاطمه بنت اسد علیها‌السلام نخستین بانوی بنی هاشم بود

❖ که از همسری هاشمی فرزند آورد ۵۱

❖ ۴. علی علیه‌السلام در کعبه، در سی سالگی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زاده شد ۵۱

❖ ۵. نام و نسب علی علیه‌السلام ۵۳

❖ ۶. نام ابوطالب علیه‌السلام ۵۵

❖ ۷. رسول خدا علی علیه‌السلام را در حالی که کودکی کوچک بود، از ابوطالب علیه‌السلام گرفت ... ۵۶

❖ ۸. نسب و مشخصات ظاهری علی علیه‌السلام ۵۸

❖ ۹. کوشیده‌اند تا ظاهر علی علیه‌السلام را نازیبیا جلوه دهند ۵۸

۶۳ ❖: **علی علیه السلام از کودکی تا بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله**

- ۶۵ ❖ ۱. خدا خواست که وی در کعبه زاده شود
- ۶۵ ❖ ۲. در زمان نوزادی، بند قنداقش را گسست
- ۶۶ ❖ ۳. او محبوب رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام بود
- ۶۶ ❖ ۴. در زمان نوزادی، ماری را کشت که قصد نیش زدنش را داشت
- ۶۶ ❖ ۵. کودکی بزرگ تر از خود را نگاه داشت تا در چاه نیفتد
- ۶۷ ❖ ۶. با کودکان بزرگ تر از خود مبارزه می کرد و آنان را بر خاک می افکند
- ۶۷ ❖ ۷. راه را بر اسب رمیده می بست و آن را نگاه می داشت
- ۶۷ ❖ ۸. سنگ های سنگین را که مردان از برداشتن آن عاجز بودند، حمل می کرد
- ۶۸ ❖ ۹. ستون های سنگی را از کوه می کند و حمل می نمود
- ۶۹ ❖ ۱۰. وی بر سنگ ضربه می زد و در آن اثر می گذاشت
- ۶۹ ❖ ۱۱. با شمشیرش بر سنگ ضربتی زد و آن را شکافت
- ۶۹ ❖ ۱۲. با خاتم خود بر سنگریزه مهر می زد
- ۶۹ ❖ ۱۳. قُصَم به سراغتان آمد، قُصَم به سراغتان آمد!
- ۷۰ ❖ ۱۴. پیش از بعثت، همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به دره ها می رفت و با هم نماز می خواندند
- ۷۱ ❖ ۱۵. چهار سال پیش از بعثت و سه سال پس از آن، با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزارد
- ۷۱ ❖ ۱۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران هجرت، علی را یک روز ندید و خدیجه علیها السلام به جستجوی او رفت
- ۷۴ ❖ ۱۷. هنگامی که خداوند پیامبر را مبعوث نمود، علی علیه السلام با او در حراء بود
- ۷۵ ❖ ۱۸. عقیل در کودکی به علی علیه السلام زورگویی می کرد و شرط می نهاد که پیش از دوا دادن به خودش، باید به علی دوا دهند!

۷۷ ❖: **علی علیه السلام از بعثت تا هجرت**

- ۷۹ ❖ ۱. علی علیه السلام نخستین کسی بود که به اسلام گروید و به پیامبر ایمان آورد
- ۸۲ ❖ ۲. مأمون گواهی می دهد که علی و فرزندانش علیهم السلام از مردم متمایزند
- ۸۳ ❖ ۳. علی علیه السلام در یازده سالگی پاسدار مخصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله بود
- ۸۵ ❖ ۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در کودکی وزیر خود ساخت و اطاعتش بر صحابه واجب گشت
- ۸۵ ❖ ۵. پیامبر او را وصی خود ساخت و این رویدادی سنگین بود که

- ۸۸ مایه خشم قریش شد
- ۹۰ ۶. از آغاز بعثت، خلافت علی علیه السلام قطعی و معین بود
- ۹۱ ۷. در دوره محاصره در شعب ابی طالب، مسؤولیت علی علیه السلام افزایش یافت
۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله وی را برای مأموریتی به حبشه فرستاد
- ۹۲ و او شرافت دو هجرت را دارا گشت
- ۹۳ ۹. اندوه رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در وفات ابوطالب
- ۹۵ ۱۰. پنهان شدن وی همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجون
- ۹۶ ۱۱. علی علیه السلام در سفر رسول خدا صلی الله علیه و آله به طائف همراه وی بود
- ۹۶ ۱۲. علی علیه السلام در دعوت قبایل در موسم حج، همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود
- ۹۸ ۱۳. علی علیه السلام از انصار برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت گرفت
- ۹۸ ۱۴. خوابیدن وی در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله و فداکاری برای وی
- ۹۸ ۱. قریش احساس نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله هر لحظه در صدد هجرت است
- ۱۰۰ ۲. گزارش عمار و ابورافع
- ۱۰۳ ۳. مهاجمان گرداگرد خانه حلقه زده، مراقب بودند
- ۱۰۳ ۴. گزارش مناقب
- ۱۰۵ ۵. راویان دستگاه سلطه، نمی خواهند بپذیرند
- ۱۰۵ ۶. این آیه را شامل دیگران هم می دانند
- ۱۰۶ ۷. ادعای دیگر
- ۱۰۶ ۸. تلاش معاویه برای تحریف حقیقت
- ۱۰۷ ۹. انکار ناصیبان
- ۱۰۷ ۱۰. شبهه‌هایی در باره این رویداد
- ۱۰۸ ۱۱. علی علیه السلام وسایل هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را آماده ساخت
- ۱۱۰ ۱۲. علی علیه السلام امانت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله را هنگام روز و آشکارا تحویل داد
- ۱۱۱ ۱۳. علی علیه السلام با قریش رویارو شد و تصمیم خود برای هجرت را اعلان کرد
- ۱۱۲ ۱۴. نخستین نبرد علی علیه السلام در ۲۳ سالگی
- ۱۱۲ ۱۵. علی علیه السلام دسیسه مالی ابوسفیان و هند را بی اثر ساخت
- ۱۱۶ ۱۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله در قبا به انتظار علی علیه السلام ماند و برایش نامه نوشت و اطمینانش بخشید
- ۱۱۴.....



این پیشگفتار را بر کتاب «السيرة المختصرة لأئمة المؤمنين (علیهم السلام)» نگاشته بودم که در سال ۱۴۲۵ ق انتشار یافت. اکنون به مناسبت هجوم وهابیان به زائران امام حسین (علیهم السلام) آن پیشگفتار را در این جا بازمی آورم.

بسم الله الرحمن الرحيم
سپاس و ستایش، خداوند جهان را و درود بر سرور و پیامبرمان محمد و خاندان پاک و پاک نهادش باد.

| صحنه های تکان دهنده در حاشیه عاشورا |

صحنه های تکان دهنده از کربلا و کاظمین در عراق و کربلای معلی در پاکستان که شبکه های ماهواره ای در روز عاشورا به نمایش نهادند، وجدان جهانیان را به لرزه انداخت و در جان ها انواع احساسات آمیخته به نفرت و اندوه را برانگیخت. جنایتکاران در میان انبوه مؤمنانی که برای زیارت قبرنواده پیامبرشان (علیهم السلام) به کربلا آمده بودند و اشک اندوه می ریختند و نوای ولایت سر می دادند، مواد منفجره پرتاب نمودند. پیش از این نیز مردم شنیده بودند که کسی در مکان های عبادی مواد منفجره پرتاب نماید و ده ها تن را کورکورانه به قتل برساند. اما شنیدن این خبر برایشان تازه بود که این بینوا را استادان پرهیزگارش (۱) برای چنین جنایتی آماده ساخته و تشویق کرده بودند که مواد منفجره را به بدن خود ببندد و خودش را در میان جمعیت برگزار کننده مراسم دینی منفجر نماید تا همراه با وی بیست یا پنجاه تن از آن مردم، از بزرگ و کوچک و زن و کودک، کشته شوند؛ کسانی که تنها گناهشان حضور در مراسمی دینی بوده است!

از سوی دیگر، این صحنه‌ها باعث شد که احساس تعظیم در برابر هوشیاری و برخورد قدرتمندانه شیعیان با این حوادث، برانگیخته گردد. خبرنگاران شبکه‌های ماهواره‌ای تعجب خود را از دو چیز اعلان کردند:

یک. در مکان انفجارهای کربلا و صحنه‌های رعب‌انگیز آن، ترس و وحشت مردم بسیار سریع پایان یافت و داوطلبان در آن جا به انتقال مجروحان و گردآوری اجساد و اعضای پیکرها پرداختند و در همان حال، میلیون‌ها تن از مردم، حتی کسانی که نزدیک همان مکان بودند، اعمال مقدس و مهم تر خود را ادامه دادند؛ یعنی به مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در دسته‌های روان به سوی حرم مقدس یا در حال بازگشت از آن، تداوم بخشیدند، در حالی که بر سوگ سید شهیدان اشک می‌ریختند و نوحه می‌خواندند و غمگینانه سینه می‌زدند.

فردی که چند متر تا محل انفجارهای کربلا فاصله داشت، به من گفت: «زائران امام حسین علیه السلام مرا شگفت‌زده کردند. تازه دقایقی گذشته بود که در دسته‌های عزاداری خود، همان شعار مشهورشان را سردادند: «أبَدُ وَاللَّهِ مَا نَنسِي حُسَيْنًا: به خدا سوگند! هرگز حسین را از یاد نمی‌بریم.» و برخی نیز این شعار را افزودند: «به خدا سوگند! با انفجار نیز هرگز حسین را از یاد نمی‌بریم.» و آن‌گاه به مراسم خود ادامه دادند، گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است!» دو. آنان به سرعت تصمیم گرفتند که بر این جراحت، صبوری و خویشتن‌داری ورزند. بدین سان، روشن شد که شیعیان در میان خود و از پیش، با نظر اجماعی مراجع و همگان، تصمیم قاطع گرفته‌اند که به فتنه مذهبی و طوائفی گرفتار نشوند.

ریشه‌های ستمگری

نکته مهم‌تری که این رویدادهای فاجعه‌انگیز در ذهن اهل دقت، برانگیخت، تأمل در آن ریشه‌های فکری و تاریخی بود که کشتن انسان شیعه را روشی دینی قلمداد می‌نماید و بر آن اساس، افراط‌گرایان، عوام را با این نوع نگاه تربیت می‌نمایند و ایشان را قانع می‌کنند که انسان شیعه مشرک و خونش هدر است و آنان وظیفه دارند تا باریختن خون و غارت اموال و دریدن ناموس وی، به خداوند تقرب جویند! این نگرش چه هنگام در تاریخ اسلامی ما پدیدار گشت و چگونه تطور یافت؟ ریشه‌های این موج تکفیر یا مباح شمردن ریختن خون‌ها در دوره ما، به متوکل عباسی بازمی‌گردد. این خلیفه، مذهب حنبلیان تجسیم‌گرا [قائل به جسمانیت

خداوند] را برگزید و در بغداد چریک‌هایی را برای حمله به مجالس عاشورا و بازداشتن شیعیان از برپایی مراسم آن تشکیل داد. او حزب خود را اهل حدیث، محدثان، و اهل سنت نامید، در حالی که مسلمانان آنان را حنبلیان تجسیم‌گرا و نیز ناصبیان خوانده‌اند.

ذهبی گزارش نموده که پیشوای نامدار، امام بغوی، این نام‌گذاری را که متوکل برای حزب خود برگزیده، به ریشخند گرفته است. او گوید: ابوالقاسم بغوی در محله نهر طابق، از کنار در مسجدی عبور کرد. صدای کسی را شنید که حدیث می‌گفت. پرسید: «این کیست؟» گفتند: «ابن صاعد.» گفت: «همان بچه؟» گفتند: «آری.» گفت: «به خدا سوگند! از این جا عبور نخواهم نمود، مگر این که در همین مکان، مجلس حدیث خوانی برپا دارم.» پس بر سکویی رفت و نشست. اصحاب حدیث، او را دیدند و برخاستند و ابن صاعد را تنها نهادند. سپس گفت: «پیش از آن که این محدثان زاده شوند، احمد بن حنبل برای ما حدیث گفت. پیش از آن که این محدثان زاده شوند، طلوت [بن عباد] و ابوقصر تمار برای ما حدیث گفتند.» آن گاه، شانزده حدیث را از شانزده شیخ، املاء نمود که جن او کسی نمانده بود تا از آنان روایت نماید. (سیر اعلام النبلاء، ۱۴/۴۴۹)

معنای این سخن وی که آنان را بچه خواند و اعلان نمود که پیش از زاده شدن ایشان، حدیث شنیده، این است که آن‌ها افرادی تازه به دوران رسیده بودند که متوکل پیرامون ابن حنبل گرد آورد و او را امام ایشان ساخت!

بغوی می‌گوید: «متوکل، آنان را حنبلی نمود.» یعنی ابن حنبل را که گفته‌اند غلام شیبان بود، امام ساخت و از آن پس، او امام احمد خوانده شد. همو بود که وی را به سامراء فراخواند و مراسم بزرگداشت و احترام برایش برپا نمود و کرامتش را میان عوام رواج داد!

یک بار یکی از کنیزان متوکل که از میان ۴۰۰۰ کنیزش نزد وی جایگاه ویژه‌ای داشت، بیمار گشت. متوکل او را به بغداد فرستاد تا امام احمد درمانش کند. هنگامی که احمد او را دید، گفت: «جن در او راه یافته است.» سپس به آن جن دستور داد که از آن کنیز بیرون رود و با کفش دم‌پایی چوبی تهدیدش نمود. آن جن از وی اطاعت کرد و از آن کنیز بیرون رفت و او شفا گرفت. سپس خبر کرامت امام احمد رواج یافت!

همین متوکل بود که فرمان داد تا احادیث تجسیم‌خدا و ناصبی‌گری انتشار یابد.